

چند کلام با دست اندرکاران برنامه جدید رادیویی که به نقد غرب زندگی می پردازد

سفر به سرزمین فرصت ها یا سراب آرزوها

برخی افراد برای آینده بهتر، زندگی زیباتر و برخورداری از شرایط برتر و... اقدام به مهاجرت می کنند، در صورتی که برخی از آنها، مطالعه یا

مریم کریمی

ازاهالی رادیو



بررسی دقیق و عقلانی نسبت به مشکلات و چالش های زندگی پس از مهاجرت ندارند و سطح آگاهی و اطلاعات شان به تبلیغ های کذابی و شایعه ها ختم می شود و بعد از مهاجرت متوجه می شوند که در دنیای وهم و خیال خود، مدینه فاضله ای را ترسیم کرده بودند که در حقیقت این گونه نبوده و زندگی شان دستخوش صدمات جبران ناپذیری شده است. به تازگی شبکه رادیویی تهران با برنامه جدید «سراب» به نقد غرب زندگی، چالش های مهاجرت و... می پردازد، در این گزارش با دست اندرکاران آن گفت و گو کردیم.

زندگی در اکنون



فاطمه اعتمادی، نویسنده رادیو در گفت و گو با قاب کوچک عنوان می کند: به نظرم نویسندگی تاریخ آغازی ندارد، یک جوشش و ذوق است. مادر بزرگم سال ها کارش تدریس بود و ما از کودکی با هم کتاب می خواندیم، از بوستان و گلستان تا حافظ، ادبیات غرب، شعر و... این محیط ادبی ناخود آگاه تأثیرگذار بود. به نظرم قلمم مهم ترین

ارثیه مادر بزرگم است. از ۱۴ سالگی با متن های طنز کارم را در رادیو شروع کردم. این نویسنده درباره برنامه «سراب» می گوید: از آنجا که این روزها پدیده مهاجرت خیلی روی بورس است (خصوصاً میان همسن و سالان خودم) و به عبارتی بهتر باید بگویم این مسأله فراگیری زیادی دارد و ذهن بسیاری از افراد را درگیر خودش کرده، در نویسندگی این برنامه سعی می کنم به جای رد یا تأیید چیزی به چالش های ذهنی خودم و اطرافیان در این باره بپردازم؛ مثل شوک فرهنگی، چالش بحران هویت و...

وی می افزاید: از شاخصه ها و مؤلفه های آنتن این است که بر پایه صداقت باشد و آنچه واقعاً در اطراف مان رخ می دهد را بازتاب دهیم. بنابراین موضوعات این برنامه براساس مسائلی است که مشاهده می شود، بیشتر افراد جامعه با آن

درگیر هستند یا این که مطالبه مخاطبان است. بر حسب حرفه ام گوش هایم تیز است، در هر جمعی که بروم دستم پر از سوژه می شود. به نظرم مهم ترین ویژگی یک نویسنده از دید هر شخصی متفاوت است، از نظر من نویسنده باید سبک خاص خودش را داشته باشد یا حداقل باید سبک خاص خودش را پیدا کند. سبک خاص هم با مطالعه زیاد، مشاهده کردن و خیلی نوشتن به دست می آید. به علاوه، نویسنده باید با خودش و مخاطبش صادق باشد و در نهایت این که همه نویسنده های خوب نوشتن برای شان تنفس است، شغل یا کار محسوب نمی شود، اگر ننویسند مریض می شوند. خوشحالم که راه ارتباطم با جهان نوشتن است. با نوشتن لحظه ها نمی میرند، امیدوارم همه در اکنون زندگی کنیم.

باور سراب یا واقعیت



جنگ نمایشی «سراب»، کاری از گروه فرهنگ، جامعه و سلامت رادیو تهران است که پنجشنبه ها ساعت ۱۵ روی موج اف.ام.ردیف ۹۴ مگاهرتز می رود. نیکویوسفی، تهیه کننده برنامه به قاب کوچک می گوید: این برنامه با هدف نقد غرب زندگی تولید می شود و شامل بخش های نمایش طنز، استندآپ، وکس پاپ و بخش های کارشناسی است. علت انتخاب عنوان برنامه یعنی سراب، این است که انسان معمولاً علاقه دارد تصویر ذهنی سراب گونه خود را قبول کند تا واقعیت را. در واقع این اسم استعاره ای است از تصویر مدینه فاضله ای که افراد از جوامع غرب برای خود می سازند. با توجه به آمار فراوان مهاجرت ها و تمایل جوانان به مهاجرت ضروری است که در رابطه با واقعیت های مهاجرت به افراد آگاهی رسانی شود. در این برنامه به موضوعاتی که افراد مهاجر و غرب زده به آن دچار می شوند، می پردازیم و می کوشیم بدون موضع گیری واقعیات را بیان کنیم و به موضوعاتی همچون بحران هویت، شوک فرهنگی، مشاغل سیاه و... بپردازیم. بشخصه معتقدم افراد معمولاً سعی دارند تصویر ذهنی ساخته شده توسط خودشان یا تبلیغات را باور کنند و از شنیدن واقعیت هراس دارند. گاه غرب زندگی به این دلیل ایجاد می شود که فرد ناکامی های خود را در محیط فعلی به پای شرایط گذاشته و برای فرار از مسئولیت پذیری دل به جامعه دور از دسترس خود

یعنی غرب می بندد، حال رسانه های غرب چه می کنند؟ آنها با مساعدت به این توهم، به سراب افراد دامن می زنند. در حالی که رسالت ما ابتدا کمک به مواجهه افراد با واقعیت و تقویت واقع بینی آنهاست.

عشق به رادیو، مرهم سختی ها

محمد بهاریان، بازیگر این جنگ نمایشی درباره تیپ گویی در «سراب» توضیح می دهد: حدود ۱۳ سال است که در زمینه دوبله و صدا بازیگری در خدمت مردم هنردوست هستم. باید از نویسندگی خانم اعتمادی تشکر کنم که به واسطه خلاقیت و قلمی که دارند با تیپ گویی و تغییر لحن سعی بر انجام وظیفه دارم. به نظرم ارتباط بیشتر ما با مخاطب به واسطه اجرا و جانمایی

مناسب بیان و تیپ گویی حاصل می شود. البته باز هم تأکید می کنم اول باید نویسنده قابل باشد که بنده این شانس را داشتم. بشخصه معتقدم بازیگری در رادیو و آیتمی هایی که ساخته می شود مبنا و اساس زیبایی آنها این است که براساس و محوریت موضوع برنامه باشد. کار در رادیو و دوبله کم درآمد و سخت است اما در عین حال لذت دارد. عشق به این کار مرهم سختی هاست.



یوسفی

نکته

علت انتخاب عنوان برنامه یعنی سراب، این است که انسان معمولاً علاقه دارد تصویر ذهنی سراب گونه خود را قبول کند تا واقعیت را. در واقع این اسم استعاره ای است از تصویر مدینه فاضله ای که افراد از جوامع غرب برای خود می سازند

